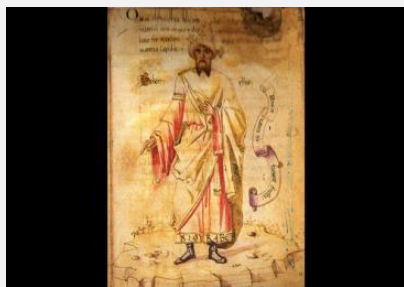


## آیا معتزله مکتبی ایرانی بود؟/تالیفات شیرین جاحظ به عصر جدید نرسید

برخی عقیده دارند که مکتب معتزله که هدف اصلی اش بنیاد یک جامعه اسلامی بر شالوده عقل و کار بود، ریشه‌ای ایرانی دارد. جاحظ یکی از بزرگان این مکتب آثار مهمی برای عامه مردم نوشت که در تاریخ گم شد.



برخی عقیده دارند که مکتب معتزله که هدف اصلی اش بنیاد یک جامعه اسلامی بر شالوده عقل و کار بود، ریشه‌ای ایرانی دارد. جاحظ یکی از بزرگان این مکتب آثار مهمی برای عامه مردم نوشت که در تاریخ گم شد.

خبرگزاری مهر \_ گروه فرهنگ و ادب: در تاریخ اندیشه اسلامی معتزله به گروهی از متکلمان اهل سنت گفته می‌شد که اعتقاد عجیبی به اصالت عقل در مقابل نقل داشتند و عقل نظری و عقل فعال آدمی را پادشاه آموزه‌های وحیانی می‌دانستند. این فرقه کلامی در ابتدای سده دوم هجری قمری ایجاد شد.

بر اساس روایتی مشهور نخستین رهبر این گروه شخصیتی به نام واصل بن عطاء است. او با طرح نظریه‌ای جدید درباره جایگاه مرتکب گناهان کبیره در برابر مرجئه (گروهی انحرافی که اعتقاد داشتند نباید درباره مؤمن یا کافر بودن کسی در این دنیا صحبت کرد و باید این را تا روز قیامت به تأخیر انداخت) و خوارج قرار گرفت. بر اساس نظر او مرتکب گناه کبیره نه چنان که مرجئه می‌گفتند مؤمن است و نه چنان که خوارج گفته‌اند کافر بلکه او فاسق است و جایگاهی بین ایمان و کفر دارد. بر اساس برخی روایات نامگذاری معتزله (که در لغت به معنای کناره‌گیری است) نتیجه جدایی واصل بن عطاء از حلقه درس حسن بصری و طرح نظریه ویژه خود است.

سید محمدکاظم امام که از جمله پژوهشگران دقیق در مکاتب و شخصیت‌های حوزه‌های علمی بغداد و بصره بود، اعتقاد داشت که معتزله در اصل یک حرکت عقلی و فکری (با بهتر بگویم فلسفی) ایرانی است و عمده بنیان‌گذاران و بزرگان آن ایرانی بودند. واصل بن عطاء، بنیانگذار این نحله در اصل اهل دشت میشان بود. عمرو بن لبید نیز اهل خراسان و اجداد او متعلق به کابل بودند. ابوهدیل علاف نیز رگ و ریشه‌ای ایرانی داشت. ابراهیم بن سیار بن هانی مشهور به «نظام» که از مهم‌ترین چهره‌های جریان معتزله است به همراه شاگردش جاحظ نیز از اهالی بصره بودند. بصره نیز در اصل شهر ایرانی بود که در زمان ساسانیان به فرمان اردشیر ساسانی ساخته شد. نامش در آن دوران وهیشت آباد بود و از شهرهای منطقه دوزخوزستان به شمار می‌رفت.

اگر در نظام فکری معتزلی‌ها دقیق شویم متوجه خواهیم شد که این نظام بیشترین نزدیکی را با تشیع دارد و در بسیاری از موارد شیعه عقایدش نزدیک به معتزله است و شیعه را «مایل به اعتزال» یا «قائل باعتزال» گفته‌اند. شیعه بجز مسئله خلافت در آنها بسیاری از مسائل اصولی با اصول و معتقدات معتزله مطابق بوده است مانند توحید، عدل و عقاید معتزله در آنها مطابق حکم عقل صحیح و منطق و منقولات پیشوایان و ائمه شیعه است. در حقیقت تمایل شیعه به اعتزال را باید در اوضاع سیاسی آن عصر جست‌وجو کرد، شیعیان در آن زمان زیر فشار و شکنجه و آزار عمال خلفای عباسی قرار داشتند و ناچار بودند برای تحکیم موقع و تأمین افکار و افراد خویش از برخی فرقه‌های نیرومند اسلامی طرفداری کنند تا آنان نیز در مواقع سخت به جانبداری از ایشان به پا خیزند. در دوره آل بویه که مذهب شیعه داشتند، شیعیان و معتزلیان بیشتر به هم نزدیک شدند و برخی عالمان شیعی از جمله شیخ مفید و سید مرتضی، استادانی معتزلی داشتند.

مرام حقیقی و هدف اصلی تعالیم معتزله بنیاد یک جامعه اسلامی بر شالوده عقل و کار بود و دو اصل اصیل از تعالیم معتزله یعنی «اصل حکومت عقلیه» و «اصل حریت آزاده» ناظر به همین معنی است. اصل حکومت عقل یعنی ساختمان یک جامعه و همه نظامات آن بوسیله عقول و به رهبری عقلای قوم و اصل حریت آزاده یعنی تحرک و فعالیت افراد برای بدست آوردن زندگانی بهتر؛ زیرا به موجب این اصل انسان در انجام همه کارهای خود آزاد است. درباره معتزله بسیار می‌توان نوشت، کما اینکه پژوهش‌های زیادی نیز درباره تاریخ و اصول عقاید این گروه توسط اندیشمندان به رشته تحریر درآمده و منتشر شده است. هدف از این نوشتار معرفی یکی از متفکران این نحله است که به عنوان ادیبی توانا و نویسنده‌ای قهار برای عامه مردم نیز شهرت داشت و او کسی نیست بجز جاحظ.

جاحظ که بود و چه کرد؟

ابو عثمان عمر بن بحر بن محبوب الجاحظ در بصره به سال ۱۵۰ و به روایتی دیگر به سال ۱۶۰ هجری متولد شد. او شاگرد «نظام» بود و در مکتب عقلی او پرورش یافت. جاحظ را به دو ویژگی مهم می‌شناسند: نخست به عنوان یک متکلم عقلگرای معتزلی و دوم به عنوان یک ادیب طراز اول.

در ادبیات عرب جاحظ یکی از استادان و پیشوایان بود و هم اکنون نیز از جمله بنیان گذاران نثر عربی به شمار می رود. او را پادشاه نثر ادبی در عرب خوانده اند. او به زبان پارسی نیز ارادتی خاص داشت. اقوال جاحظ در نحو، صرف و فنون ادب و بلاغت در کتب عربی مختلف پراکنده است. خود او نیز بسیار کثیرالتالیف بود و نگارش بیش از ۳۵۰ رساله را به او نسبت داده اند.

به طور کل جاحظ دو رشته تالیفات داشته است: الف) تالیفات ادبی مشتمل بر انواع فنون ادب عربی. ب) تالیفات کلامی مشتمل بر افکار و اصول مکتب معتزله. جاحظ را در عصر خودش تنها به عنوان یک دانشمند معتزلی و یک متکلم می شناختند و اگر احیاناً به جنبه ادبی او نیز توجه می شد وی را یک معتزلی و یک متکلم ادیب می دانستند. برخی از آثار ادبی او اکنون موجود است ولی آثار کلامی او تقریباً از بین رفته است. جاحظ کتبی را به عنوان آداب تألیف کرده است که مشتمل بر عامه معلومات اجتماعی، اخلاقی و امور خانواده، اوصاف اصناف و پیشه وران و اخلاق بزرگان عصر اوست.

نثر نویسی جاحظ از نوع سهل و ممتنع و مخصوص خود اوست و به همین جهت این کتاب ها بواسطه اسلوب شیوا و دلکش نثر و قدرت نگارش به عنوان کتاب های ادبی نمونه عالی تلقی شده است. موضوعات تالیفات او نیز ابتکاری و شیوا و شیرین است مانند: «المحاسن و الاضداد»، «البیان و التبیین» که در فن بلاغت است، «البخلا» و «الحيوان» که درباره حیوانات است.

جاحظ کتابی دارد به نام «البخلا» یا «سرگذشت خسیسان». او در این کتاب بیوگرافی عده ای از مشاهیر را که معروف به بخل بوده اند، با نثری شیوا نقل کرده و حکایاتی و همچنین ضرب المثل هایی در این باره گفته است. در جایی از این کتاب اخلاقی او ضمن شرح بیوگرافی یکی از نامداران معاصرش که بخیل بوده از قول او نقل کرده است که: «ماهیتابه آهنین هر اندازه کهنه شود و هر اندازه با آن در آشپزخانه ها کار کنند بهتر و آماده تر می شود، زیرا به مرور در اثر کار زیاد چربی و روغن در اعماق آن نفوذ کرده و برای بریان کردن گوشت آماده تر می شود.»

اما روایت است که جاحظ هرچند که با نهضت شعوبیه همراهی و همخوانی نکرد، اما خود را ایرانی می پنداشت و به قول سیدمحمدکاظم امام در کتاب «مکتب معتزله» پیوسته آهنگ ملیت را می نواخت. روایت است که درباره افضلیت ایرانیان بر اعراب کتاب «فضل الموالی علی العرب» را تألیف کرد و برای رسوایی اعراب کتاب هایی را از زبان خودشان در طعن برایشان نوشته است. مانند: «کتاب المفاخر القحطانیة علی الکنانیة و سائر العدنانیة» او در این کتاب به عنوان قحطانیه هرچه توانسته است اشعار و قصائد و قطعات منظوم در هجو کنانیه وhellip ذکر کرده است.

در باب وضعیت خلافت دوران خود و فسادهایی که در شهرها رواج داشت نیز جاحظ برخی تالیفات داشته که متأسفانه به عصر ما نرسیده است. از جمله آنها کتاب «حیل اللصوص» است که در آن از انواع دزدی ها و دزدان در بغداد و بصره و دیگر ممالک اسلامی سخن گفته است. همچنین کتابی هم دارد با عنوان «غش الصناعات» که در آن از انواع تقلبی که پیشه وران در صنایع و کارها و تولیدات خود می کردند، سخن گفته است.

از دیگر آثار او در این عرصه کتاب «حیل المکدین» است. جاحظ در آن شرح داده که چگونه شیادان به اسم گدا و متکدی به انواع و اقسام حيله ها گدایی کرده و روزگار را به مفتخوری می گذرانند. کتاب «القحاب و الکلاب و اللاطه» را نیز به او نسبت داده اند که در آن از روسپیان، سگ بازان و سایر ارادل و اوباش سخن گفته است. در بازار کتاب ایران برخی از تالیفات جاحظ از جمله «المحاسن و الاضداد»، «البیان و التبیین» و «رساله رد علی النصارى» منتشر شده است. برخی تک نگاری ها درباره زندگی و آثار او به قلم شخصیت هایی چون علیرضا ذکاوتی قراگزلو و علی اکبر ولایتی نیز منتشر شده است.

پژوهش هایی درباره آرا و افکار این متفکر برجسته نیز در بازار اندیشه موجود است که از جمله آنها می توان به این موارد اشاره کرد: «جاحظ و شعوبیه» نوشته یاور رضایی، «اندیشه های قرآنی جاحظ» نوشته رامش جلیلی نجاری، «نظریه معرفت طبیعی جاحظ» نوشته فاطمه سلیمانی دره باغی و «مناظره دو عالم اهل سنت اسکافی و جاحظ پیرامون برتری علی (ع)» نوشته حسین طیبیان. اما حیف که بسیاری از آثار شیرین جاحظ و آن دسته از آثاری که او برای عامه مخاطبان نوشت در طول اعصار جا ماند و به عصر جدید نرسید.